

## نشوز از دیدگاه فقه امامیه

\*رقیه محمدیان

\*بی بی زهرا گوهری

### چکیده

این پژوهش به مسأله نشوز در فقه امامیه پرداخته است. خداوند متعال ازدواج را جزء برنامه های زندگی بشری قرار داده است و به تمامی انسان ها سفارش کرده است که نسبت به انجام این امر اهتمام داشته باشند و در راستای ایجاد کانونی گرم و پر محبتی که در آن افراد به کمال برسند و نسل صالحی پرورش پیدا کند توصیه فراوانی شده است. یکی از موانع ازدواج موفق و حفظ کانون گرم خانوادگی مسأله نشوز است نشوز در قرآن به معنای نافرمانی نام برد.

نشوز دارای علائم و مراتبی است که هم در قرآن و روایات و هم از دید فقهای اسلامی به آن پرداخته شده است. علائم نشوز، ناسازگاری، پرخاشگری، و نافرمانی و توجه نمودن به وظایف هر یک از زن و مرد در زندگی است که راهکارهایی در اسلام برای رفع آن ذکر شده است. نشوز پیامدهایی دارد که به طور عمده می توان طلاق، افسردگی، نابسامانی خانواده، تربیت نشدن فرزندان می باشد.

نتیجه ای که از این پژوهش به دست می آید این است که: افراد با تأمل در زندگی مشترک باید دریابند که انجام بعضی از امور باعث تیره تر شدن روابط در خانواده می شوند و برای حفظ خانواده از آن امور پرهیز و جلوگیری نمایند.

واژگان کلیدی: امامیه، زن، مرد، نشوز.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

\* دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه خراسان

\* استاد راهنما



## طرح بحث

خدای متعال جهان را برای تعالی روح بشر خلق کرده است و انسان را از دو جنس متفاوت آفریده و در یک خصائص و ویژگی‌هایی قرار داده است. که سبب جذب دیگری می‌شود. ازدواج در اسلام امری مقدس است و سفارشات فراوانی در احادیث نسبت به آن شده است و در خلال امر ازدواج مسائل دیگری مطرح می‌شود از جمله حقوق هر یک از زوج یا زوجه و وظائف مربوط به آنها که انجام تکالیف منجر به ادای حقوق طرف مقابل می‌شود. دستورات در دین اسلام به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که تا آنجا که ممکن است کانون خانواده گرم و صمیمی بماند و روابط افراد به گونه‌ای باشد که در جهت پیشرفت و کمال اعضای آن صورت گیرد. همان‌طور که می‌دانیم اسلام یک دین همه‌جانبه است و برای تمام مراحل زندگی احکام خاص و دقیقی دارد و برای تحقق این مطلب نیز دستور العمل‌هایی داده است و افراد را نسبت به انجام آن ترغیب کرده است. مانند مسأله اطاعت زن از شوهر و لزوم اجرای عدالت در خانواده از سوی مرد که با تأملی در روایات متوجه خواهیم شد به ظرائف و لطائف زندگی زناشویی که هیچ کس همچون وحی قادر به بیان کامل و جامع آن نخواهد بود.

از ابتدای تاریخ افرادی بوده‌اند که برای رسیدن به مقصد و هدف خود از بهترین و مطمئن‌ترین راه که همان صراط مستقیم است طی مسیر نکرده‌اند بلکه خواسته‌اند با روش‌های ضد اخلاقی خود، راه را ببیمایند. اسلام در این رابطه نیز دستور العمل‌هایی برای برخورد با این افراد داده است.

در تحقیق حاضر سعی شده است که دیدگاه شیعه در مورد نشوز بیان شود تا خواننده متوجه ظرائف دین مبین اسلام گردد. انسانی که به بلوغ رسیده ابتدا باید در مسئله انتخاب همسر دقت کافی به خرج دهد و مسئله هم کفو بودن را که در اسلام مطرح شده است را



رعایت کند و سپس از آن هم اگر درزندگی مشترک مسئله و مشکلی پیش آمد سعی شود با گفتگو، موعظه، مشورت چاره جویی کرد. گاهی در زندگی مشترک مسائلی به وجود می آید که زن حق ندارد خود به نحو مستقیم وارد عمل شود بلکه باید از حاکم شرع کمک گیری نماید تا مشککش حل شود.

## الف. نشوز و علائم آن

### ۱. مفهوم شناسی

برای مقایسه معنای نشوز در علم فقه با تعریف آن در قرآن ابتدا تعریف نشوز در لغت بیان می شود، چرا که میان معنای لغوی هر واژه ای با معنای اصطلاحی آن در هر علمی رابطه ای است.

نشوز (ن ش ز) در لغت به معنای ارتفاع و بلندی (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ص ۴۳۲؛ ر.ک: سیاح، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۱۶۷۱، ر.ک: معین، ۱۳۸۱: ص ۱۱۷، ر.ک: قرشی بنایی، ۱۳۸۴: ص ۳۵۲) است و در اصطلاح، سر برتافتن همسر از تمکین نسبت به وظایف متقابل همسری را نشوز گویند و زن را در صورت عدم تمکین در آمیزش ناشزه می نامند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۸) خروج نفس از حال اعتدال و سلامت و ابتلا به یک طغیان و بیماری ناهنجار. (بطحایی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ص ۱۷۲)

### – مصادیق نشوز در قرآن

در قرآن کریم مشتقات نشوز در چهار آیه آمده است.

«وَأَنْظِرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا»

و به این استخوان ها بنگر، چگونه آنها را برداشته و به هم پیوند می دهیم. (بقره/۲۹)

در آیه شریفه نشزه ها به معنای پیوستن آمده است



«وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا» چون به شما گفته شود در مجالس جای بازکنید پس جای

باز کنید. (مجادله/۱۱)

در آیه مذکور به معنای بلند شدن و برخاستن می باشد و عده ای گفته اند که منظور از آیه شریفه یعنی به پا خیزید برای نماز یا قضاوت. (مسکنی، ۱۳۸۷: ص ۳۴. ر.ک: ابن منظور، السان العرب، بی تا، ج ۵، ص ۴۱۷)

«وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا»

و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد. (نساء/۱۲۸)

در این آیه نشوز از جانب مرد مورد نظر است و به همان معنای ناسازگار می باشد.

«وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ» و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید. (نساء/۳۴)

در اینجا منظور از نشوز نافرمانی کردن زنان از اطاعت شوهران و عصیان و به خشم آوردن اوست.

این پژوهش بر آن است که نشوز را در ۲ آیه اخیر مورد بررسی قرار دهد. این دو آیه شریفه از معدود آیاتی هستند که به مسأله نشوز زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن پرداخته است.

نشوز در اصطلاح قرآن به معنای حالتی است که نتیجه سر برتافتن متکبرانه از قوانین و مقتضیات الزامی و ترجیحی پیوند زن و شوهر است. مشخصه های این تعریف از قرار زیر است:

نشوز، حالت است نه کنش و رفتار، پیرایش و تحقق این حالت، از رفتارها و گفتارها و نشانه های گوناگون دیگر به دست می آید. پیرایش آن سیر تدریجی دارد و نمی توان گفت یکباره پدید آمده است؛ به همین دلیل فرمود: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ» و فرمود: «و

اللاتی نشزن» زمینه پیدایش آن در زن و مرد یکسان است ولی در هر یک به گونه ای و با



نشانه‌هایی ویژه، چنان که برخی از نشانه‌ها نیز مشترک هستند، زیرا زن و مرد افزون بر وظایف و آداب مشترک، آداب و وظایف ویژه‌ای دارند.

بدین سان خوف در «تخافون» نیز از معنای ظاهر و اصلی خود خارج نشده و به معنای علم و رویت و ... گرفته نشده است و نشوز نیز در هر دو آیه (۳۴ و ۱۲۸ نساء) به یک معنی خواهد بود. (حکیم باشی، نشریه پژوهش‌های قرآنی شماره ۲۸-۲۷، ۱۳۹۰)

### - تعریف نشوز از منظر فقها

نشوز از منظر فقهی، به ناسازگاری کردن یکی از زوجین، به خصوص ناسازگاری زن نسبت به شوهر خویش تعبیر شده است (فیض، ۱۳۷۳: ش ۴۱، ص ۳۷۸) و زنی که مطیع شوهر نباشد و ناسازگاری و بدرفتاری نماید را ناشزه گویند. (مغنیه، ۱۳۷۲: ص ۳۳۹)

در اینجا تعریف نشوز را در کلام برخی فقها ذکر می‌کنیم.

### شیخ صدوق

نشوز در مردان: یا با مخالفت آنچه که بر او از حقوق زن واجب شده صورت می‌گیرد یا روگردانی و ترک هم‌نشینی و انس و حسن معاشرت است.

نشوز در زنان: ایشان نشوز در مورد زنان را نیز به همان معانی که در مردان به کار برده شده، گرفته است به این معنا که هر گاه زن ناشزه شده مانند ناشزه شدن مرد است و منجر به طلاق (خلع) است. (مغنیه، ۱۳۷۲: ص ۳۳۹)

### صاحب جواهر

بیشترین چیزی که از نصوص اولیه درباره نشوز بیان شده این است که: نشوز یعنی اطاعت نکردن از شوهر و حق او را ادا نکردن است آن هم در صورتی که زن برای ادای این حقوق تقصیر کند. (نجفی، بی تا: ج ۳۱، ص ۳۰۹ - ۳۱۱)



**شهید اول (محمد بن مکی عاملی م ۷۸۶)**

نشوز: در باب نکاح نشوز به معنای خارج شدن از اطاعت است به این معنا که هر کدام از زن یا شوهر از آنچه که بر او واجب شده است شانه خالی کند. (مکی، عاملی، شهید اول)، ۱۴۱۱ هـ، ج ۵: ص ۴۲۷-۴۲۸)

**شیخ طوسی م ۴۶۰**

نشوز در مرد: و آن این است که مرد زن را نمی‌خواهد و زن می‌خواهد با او زندگی کند و جدایی را دوست ندارد و مرد می‌خواهد که او را طلاق دهد به مرد می‌گوید: مرا طلاق نده زیرا نمی‌خواهم نسبت به آن سرزنش شوم و لیکن شبهای من از تو و هر چه از نفقه و غیر آن به عهده تو است بخشیدم و حتی از مال خود نیز چیز معلومی به تو می‌دهم و مرا به همین حال نگرهدار. (ر.ک: شیخ طوسی، بی‌تا، ص ۵۳۱-۵۳۰)

**ابن ادریس حلی م ۵۹۸ ه ق**

نشوز زن: یعنی انجام ندادن وظایفی که زن نسبت به شوهر دارد ... که در آن تقصیر جایز نیست (حلی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۱، ص ۳۲۷)

نشوز مرد: نشوز مرد همان اراده طلاق است و زن از شوهر می‌خواهد که او را طلاق ندهد (همان، ج ۲، ص ۷۲۸)

**محقق خوانساری**

نشوز، عبارت است از خروج یکی از زوجین از اطاعت دیگری در آنچه که برای هر یک واجب شده است که در حق دیگری انجام دهند پس اگر زوج و زوجه در انجام وظایف و حقوقی که نسبت به دیگری بر ذمه دارند کوتاهی نمایند و انجام ندهد محقق شده است و خداوند هم در قرآن به نشوز هر یک از زوج و زوجه به صراحت اشاره داشته است. (خوانساری،

۱۳۵۵: ج ۲، ص ۴۳۳)



## شهید ثانی

نشوز عبارت است از رعایت نکردن حقوق یکدیگر هر یک از زن و مرد. (عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق.، ج ۱، ص ۵۷۰)

## ابن فهد

نشوز را نافرمانی زن یا مرد در برابر یکدیگر و کوتاهی در ایفای حقوق متقابل می‌دانند. (حلی، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۱)

## امام خمینی (قدس سره)

نشوز: «در زوجه، خروج او از اطاعت شوهر است که بر زن واجب می‌شود، و عبارت است از اینکه شوهر خود را تمکین نکند و چیزهایی را که تنفرآور است و ضدیت با تمتع و لذت بردن از او دارد، از خود بر طرف نکند بلکه ترک نظافت و آرایش خود کند یا ترک وظایفی که شوهر آنها را می‌خواهد نماید از این قبیل است و همچنین است خروج او از خانه بدون اذن شوهر و دیگر موارد و در جایی که اطاعت از شوهر واجب نیست ترک آن موجب تحقق نشوز می‌گردد.»

حال با توجه به مطالب فوق این سوال مطرح می‌گردد که: اگر در مورد خدمات خانه و حوائج مرد که به تمتع بردن او ارتباط ندارد مثل: آماده کردن غذا برای شوهر خودداری نماید، آیا نشوز، محقق شده است و زن ناشزه می‌باشد یا خیر؟

امام خمینی (ره) در این مورد این چنین پاسخ می‌دهد که، خیر. در مواردی که با تمتع بردن زوج از زوجه و مواردی که در فوق ذکر شده ارتباطی نداشته باشد، نشوز محقق نمی‌گردد.

مثلا اگر زن از جارو کردن، یا خیاطی یا غذا پختن و یا حتی آب دادن به شوهر و پهن کردن رختخواب او خودداری نماید، زن ناشزه نیست و نشوزی محقق نگردیده است.



(موسوی خمینی، ۱۳۹۰ ه.ق، ج ۲، ص ۳۰)

## آیت الله خوئی

بر زوجه، تمکین و اطاعت کردن و برطرف کردن مواردی که برای شوهر تنفرزا است، واجب می باشد. و برای شوهر این حق است که همسر ناشزه خود را بزند، بدون اینکه به بدن او آسیبی برسد و یا استخوان وی را بشکند، البته بعد از نصیحت کردن وی و (در صورت عدم تاثیر)، دوری گزیدن از وی در بستر، بنا به ترتیب این مراحل و همچنین استنشوز برای زوج به اینکه برخی از حق و حقوق زوجه را اداء نماید مثل عدم پرداختن نفقه و آیت الله خوئی از توضیح بیشتر در این مورد خودداری نموده است. (موسوی الخوئی، ۱۴۱ ه.ق: ج ۲، ص ۲۸۲)

## ۲. تفاوت معنای نشوز در قرآن و فقه

به نظر می رسد در راه یابی اصطلاح نشوز از قرآن به فقه، جابجایی و نقل معنایی صورت گرفته و مصطلح فقیهان از این کلمه با مصطلح قرآن تفاوت هایی دارد، در نشوز فقهی حرمت و گناه بودن نشوز، پیش فرض است، اما در قرآن و روایات به هیچ گونه نهی از نشوز نشده و نشوز نیز جزء گناهان شمرده نشده است و وجوب مطلق اطاعت زن از شوهر نیز دیده نمی شود.

حتی تمکین به معنای خاص نیز هر چند واجب بوده و ترک آن حرام است، اما به عنوان نشوز تحریم نشده بلکه بدان جهت که تخلف از شرط اولیه مقرر در عقد نکاح است که زوجین بدان پایبند شده اند. به نظر می رسد نسبت میان نشوز بدان معنی که در فقه اراده می شود با نشوز در آیه، عموم و خصوص من وجه باشد (حکیم باشی، بی تا، ۲۱۷)





### - تعریف حقوقی نشوز

نشوز به معنی ارتفاع و خودداری از تمکین و دشمنی داشتن زن است شوهر خود را باطناً و ظاهراً.

یعنی: ترتیب اثر دادن به دشمنی در ظاهر و در صورتی که زن تمکین ننماید و به اصطلاح، یکی از وظایف و تکالیف خود را که در اثر زناشویی عهده دار آن است انجام ندهد ناشزه می‌گردد، ناشزه مشتق از نشز به معنی خودداری کردن، مصدر آن نشوز است. (شریف، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۰) و همچنین زوج هم اگر در انجام وظایفی که بر عهده او می‌باشد مثل پرداخت نفقه کوتاهی نماید و تمکین ننماید، زوج هم ناشزه محسوب می‌شود. (مسکنی، ۱۳۸۷ ص ۳۵)

### - حقوق متقابل زن و مرد

رعایت نکردن حقوق واجب از طرف زن یا مرد نشوز محسوب می‌شود لذا قبل از هر چیز باید معلوم شود که حقوق واجب زن بر مرد و مرد بر زن در احکام اسلامی چیست؟

### - حقوق مرد نسبت به زن

حقوق شوهر نسبت به زن عبارتند از

- عدم خروج از منزل مگر به اذن شوهر

- عدم جواز صدقه دادن، نذر کردن و یا قسم خوردن مگر به اذن شوهر

- تمکین به شوهر در هر زمانی که مرد بخواهد

- پاک کردن خود از هر چیزی که باعث دور کردن شوهر از تمتعات جنسی است

- رعایت نظافت و آرایش کردن در صورتی که شوهر آن را طلب کند. (ر.ک: مجموعه

قوانین اساسی مدنی جهاد دانشگاهی، بی‌تا، ص ۲۰۹)



رعایت موارد فوق بر زنان در حد توان واجب است و مسائل دیگر مثل آشپزی یا بچه داری و امثالهم بر زن واجب نیست. علامه محمد تقی جعفری به نقل از صاحب جواهر می نویسد: فقها فتوای فخرالدین را که گفته است: نشوز زن شامل آن می شود که زن برای مرد آب نیاورد و یا رختخوابش را آماده نکند، جدا طرد نموده اند و می گویند این مسائل وظیفه واجبی زن نیست. (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۲۰۲، موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۷۳)

### حقوق زن نسبت به مرد

حقوق زن نسبت به شوهر عبارتند از:

- تهیه غذا به اندازه متعارف
- تهیه پوشاک به اندازه شان زن
- تهیه وسایل مورد لزوم خانه (ر.ک: حر عاملی، ۱۳۶۷: ابواب نفقات، ج ۷، ص ۱۳۱)
- تهیه مسکن متناسب با شأن و منزلت اجتماعی زن
- اگر زن از روی جهل، اشتباهی انجام داد مرد او را ببخشد. (همان، ص ۱۲۱)
- خوش رویی و خوش رفتاری با زن (معاشرت به معروف) (ر.ک: بانکی پور فرد، بی تا، ج ۲ ص ۶۹۰؛ ر.ک: النوری الطبرسی، ۱۴۰۸: ص ۲۵۱)
- تعلیم احکام و مسائل اعتقادی (به وجوب کفایی)
- حداقل هر چهار ماه یکبار با او آمیزش کند. (الطبرسی الطوسی، ۱۳۷۹: ج ۳ ص ۲۰۵، مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ج ۴ ص ۱۴۹)
- رعایت هر کدام از این موارد در حد توان بر شوهر واجب است و مرد نمی تواند بر آن بخل بورزد.

آقایان باید توجه داشته باشند کارهایی مانند عصبانی مزاج بودن، بدخلقی، یکدندگی در منزل، امر و نهی کردن زیاد به گونه ای که تنها تصمیم گیرنده در منزل باشند، نداشتن سعه



صدر و تحمل، نداشتن گذشت در اتفاقات زندگی و مواردی از این قبیل، زمینه های بسیار مساعدی هستند که باعث می شوند مرد حقوق همسر خود را ایفا نکند، در نتیجه علاوه بر اینکه معصیت کار بوده، ناشز نیز می شود. زیرا با توجه به حقوق زن نسبت به مرد مانند خوشرفتاری کردن با زن و یا بخشیدن اشتباهات او و ... مرد باید در خانه، فضایی صمیمی و دوستانه را فراهم آورد تا از بروز هر گونه ناپهنجاری جلوگیری شود.

همانطور که مشاهده می کنید وظایف مرد در قبال زن بسیار سنگین تر از وظایف زنان، بخاطر اینکه مردان علاوه بر رعایت مسائل مادی (پوشاک، خوراک، مسکن و ...) ملزم به رعایت مسائل معنوی و اخلاقی (خوش خلقی و...) هم هستند و این، کارشان را دو چندان می کند. (سالاری فر، بی تا، ص ۶۹-۵۸)

قرآن در نظام قانون گذاری خود، حقوقی را به مردان اختصاص داده و حقوقی را از آن زنان دانسته اند و متقابلاً تکالیفی را از مردان خواسته و وظایفی را متوجه زنان کرده است که به برخی از آن ها به اجمال اشاره می کنیم؛

### - اطاعت از شوهر

در هر آن چه به مسأله ی زناشویی و کام جویی مربوط باشد که متقابلاً نفقه بر عهده ی مرد گذاشته شده است این همان تعهد همسری است که آیاتی از قرآن بر آن دلالت دارد. آیه ی اول:

«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاَتُوا حَرْثَكُمْ اَنۡی سِئَمٌ» زنان شما محل بذر افشانی شما هستند

پس هر زمان که بخواهید می توانید با آنها آمیزش کنید. (بقره / ۲۲)

آیه ی دوم:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَی النِّسَاءِ - بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلَی بَعْضٍ» مردان سرپرست و

نگهبان زنانند به خاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است. (نساء/ ۳۴)



## – خوش رفتاری مرد با همسر

«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْراً كَثِيراً» (نساء/ ۱۹)

و با آنان به طور شایسته رفتار کنید و اگر از آن‌ها کراهت داشتید چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار داده باشد.

معروف به معنای هر امری است که مردم در جامعه آن را به نیکی بشناسند و آن را مکروه ندانند، و چون دستور به معاشرت کردند با زنان را مقید به عروف نموده بنابراین معای امر به معاشرت با زنان، معاشرتی است که نیکو باشد، معاشرتی که از نظر مردم معروف و قابل قبول و در بین آن‌ها متعارف باشد.

معاشرت معروف یعنی این که یک فرد از جامعه، جزء مقوم جامعه باشد و دخالتش در تشکیل جامعه برای دستیابی به هدف تعاون و همکاری عمومی، مساوی با دیگران باشد. این تکلیف بر عهده‌ی همه‌ی افراد باشد که هر یک کاری را که در توان دارد و جامعه نیازمند نتیجه‌ی آن است، انجام دهد، و آنچه از محصول کار، مورد نیاز کسی است به خود اختصاص، و مازاد را در اختیار سایر افراد جامعه قرار دهد و در برابر از مازاد محصول کار دیگران آنچه لازم دارد بگیرد. (طباطبایی، بی‌تا، زن در قرآن)

## – حقوق همسری در مسأله‌ی طلاق

در مورد طلاق همه‌ی آیات چیزی در حمایت از زنان وارد شده است، از آن جمله:

«فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَاراً لِيَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ»

زانتان را در جایی که رفتار نیکو با آنان می‌کنید نگه دارید وگرنه به نیکویی رها سازید به خاطر زیان رساندن نگه ندارید که در این صورت ستم کرده اید و هر که این گونه رفتار کند به خودش ظلم کرده است. (بقره/ ۲۳۱)



## – ضرورت رعایت عده در طلاق و مرگ و ...

نگه داشتن عده در طلاق برای امید به بازگشت

«بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا»

همسرانشان برای بازگرداندن آنها سزاوارترند این در صورتی است که خواهان اصلاح باشند و اطمینان از عدم بارداری است.

گر چه نگاه داشتن عده در مرگ برای اطمینان از عدم بارداری است. اما مسأله‌ی اصلی، رعایت احترام به حریم زوجین است و طبق روایاتی که از پیشوایان اسلام به ما رسیده است زنان موظفند در مدت عده، شکل سوگواری خود را حفظ کنند.

## ۳. مراتب و علائم نشوز

برای شناخت ماهیت نشوز و شرایط تحقق آن به بررسی مراتب و علائم آن می‌پردازیم.

### – مراتب نشوز

در خصوص مراتب نشوز فقها در مبحث علائم نشوز زوجه، بدان پرداخته‌اند و به طور جداگانه مراتب را ذکر نموده‌اند. اما می‌توان گفت که بسیاری از آن‌ها در ذکر علائم نشوز، ترتیبی هم برای آن اتخاذ نموده‌اند، چنانچه بسیاری از این بزرگان آشکار شدن ترشروی و عبوسی را در چهره زن به عنوان اولین مرتبه نشوز در زوجه ذکر نموده‌اند و بعد از آن، تغییر رفتار و گفتار به صورتی که با شوهر تندخویی کند. بعد از آن در آداب وی تغییر حادث گردد و به صورتی که بهداشت و نظافت را رعایت ننماید و غالباً در برابر شوهر خود تمکین ننماید (مسکنی، ۱۳۸۷: ص ۶۲)

### – علائم نشوز

بیان شد که هرگاه زنی از اطاعت شوهر خویش خارج گردد و در انجام وظایفی که



نسبت به شوهر خویش دارد کوتاهی نماید و از شوهر خویش تمکین ننماید، اعم از تمکین عام یا خاص، مرتکب نشوز شده است و ناشزه محسوب می‌گردد.

برای اینکه ناشزه بودن فرد محرز شود علائم و نشانه‌هایی ذکر شده، یعنی بروز چه حرکات و رفتار و یا گفتاری در زوجه نشان دهنده ناشزه بودن وی می‌باشد؟!

در باب علائم نشوز، فقهای امامیه علائم و اماراتی را ذکر نموده‌اند که از آن جمله می‌توان موارد زیر را بر شمرد.

### – علائم نشوز زوج از منظر فقها

#### علامه حلی (ره):

اگر شوهر ناسازگار باشد و حقوق زن را اداء ننماید و معاشرت به معروف نکند، یعنی زندگی به خوشی نکند و بدخوئی نماید و زن را بی سبب بیازارد، مرتکب عمل نشوز گشته و ناشز محسوب می‌شود (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۵۵۳)

#### شهید اول (ره)

نشوز از جانب مرد ندادن حقوق زن است که شامل حق هم‌خوابگی و نفقه است که بر مرد واجب است و زن برای مطالبه حقوقش می‌تواند نزد حاکم برود. (عاملی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۴۲۹)

#### آیت الله خوئی

هرگاه شوهر، زن خود را بزند و در اداء حق و حقوق زوجه جفا نموده و حقوق وی را اداء نماید و در معاشرت و گفتار و رفتار به بدی و تندخوئی با او رفتار نماید. (موسوی الخوئی، ۱۴۱ ه.ق: ج ۲، ص ۲۸۲)

#### امام خمینی (ره)

حضرت امام (ره) در این مورد می‌فرماید: همانطوری که نشوز از طرف زوجه می‌باشد، از



طرف شوهر هم هست، به گونه ای که بر زن تعدی نماید و به حقوق واجب او قیام نکند؛ پس اگر نشوز از شوهر به سبب جلوگیری حقوقش از تقسیم همخوابگی و نفقه مانند اینها آشکار شود، پس زن می‌تواند از شوهر حق خود را مطالبه نماید. (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۴۵)

اگر شوهر بعضی از حقوق غیرواجب زن را ترک کند یا تصمیم به طلاق او بگیرد به خاطر آنکه از او کراهت دارد و یا به جهت بزرگ بودن سنش یا دیگر موارد، یا تصمیم به گرفتن زنی روی آن (زن اول) بگیرد، پس زن به جهت تمایل به شوهرش، مالی یا بعضی از حقوق واجبش را از تقسیم همخوابگی یا نفقه به شوهر بذل نماید، صحیح و برای مرد حلال است و اما اگر بعضی از حقوق واجب زن را ترک نماید و یا او را با زدن یا ناسزا و ... اذیت نماید، و زن هم مالی را بذل نماید و یا بعضی از حقوق واجبش را ترک کند، تا اینکه به آنچه که از حقوق او ترک کرده قیام کند، یا اینکه از اذیت او دست بردارد، یا او را طلاق خلعی بدهد، تا از دست او خلاصی پیدا کند، آنچه را که مرد بذل می‌کند، بر مرد حرام است اگر چه بنا به اقوی قصدش این نباشد که او (زوجه) را مجبور به بذل نماید. (موسوی خمینی، ج ۳، ص ۳۴۵)

## ب. نشوز و حقوق مترتب بر آن

### ۱. نشوز زن

#### – انگیزه‌های نشوز زن

چند مورد از انگیزه‌هایی که زن از نشوز دارد، در زیر ذکر می‌شود، می‌خواهد شوهرش را تحت فشار قرار دهد تا خواسته‌های خود را عملی کند به عنوان مثال برای ولخرجی کردن، به دست آوردن امتیازات اقتصادی بالاتر و ... مرد را تحت فشار قرار می‌دهد.



- زن میل به قدرت طلبی و فرمانروایی بر شوهر و فرزندانش دارد و قصد بر هم زدن قوامیت و سرپرستی مرد را در ذهن می‌پروراند.

- واکنشی در برابر نشوز و سرکشی مرد از انجام وظایفش و بی مسئولیتی او

- به دلیل خستگی جسمی، روانی، افسردگی و فشارهای ناشی از کار و هم چنین حوادث ناگواری که برای او رخ داده است

- به دلیل طلب مهریه (مقاله انگیزه های زن و مرد از نشوز).

نشوز از جانب زن به این صورت است که وی آداب و رسوم معمول و متعارف خود را که در وضعیت عادی با شوهر خود داشته است تغییر دهد. مثلاً در گفتار ملایم بوده اینک خشن شده است، در کردار از مرد استقبال می‌نموده اکنون حال ادبار دارد و عبوسانه از او اعراض می‌نماید.

دوم آن که زن نسبت به آمادگی خود برای استمتاع از قبیل تنظیف و آماده کردن و ... خودداری نماید و خلاصه کاری کند که مرد را منزجر کند با تجلی خوی تنفر در زن عنوان نشوز محقق می‌گردد و آثار حکمی و حقوقی که حق شوهر است بر آن مترتب می‌گردد (بطحایی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ص ۷۱۲)

سه مرحله و عطا، هجر و ضرب اولین حقی است که در برابر نشوز زن برای مرد به وجود می‌آید که به تفصیل خواهد آمد.

در اینجا به آثار نشوز از دیدگاه فقها می‌پردازیم:

### - آثار نشوز از دیدگاه فقها

شیخ مفید

اگر زن نسبت به شوهرش ناشزه شود و بدون اجازه اش از منزل او برود، نفقه و پوشاک

همسرش از مرد ساقط می‌گردد. (طوسی، بی تا، ص ۵۱۸)





## فاضل هندی

اگر زن بدون عذر امتناع از آمیزش داشته باشد نفقه ساقط می‌شود اگر چه مواردی باشد که زن می‌خواهد برای زندگی آماده شود (فاضل هندی، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۷).

## جواهرالکلام

شرط وجوب نفقه زن بر مرد آن است که تمکین کامل کند یعنی وقت یا مکان خاصی برای تمکین خود قرار ندهد بلکه در هر مکان یا زمانی که شرعا مانعی نداشته باشد و مرد تقاضا می‌نماید زن باید اجابت کند و اگر غیر از این باشد نشوز محقق شده و نفقه ساقط می‌شود. (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۰۱)

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«تعجب ممن يضرب امراته و هو بالضرب اولی منها لا تضربوا نساءکم بالخشب  
كان فيه القصاص ولكن اضربوهن بالجوع و العدى حتى تربحو فى الدنيا و الاخره»  
(نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۲۵۰)

من تعجب می‌کنم از کسی که همسرش را می‌زند درحالی که خود سزاوارتر به تنبیه شدن است. همسرانتان را با چوب نزنید زیرا منجر به قصاص می‌شود ولی می‌توانید آن‌ها را با قطع هزینه‌های زندگی تنبیه کنید که در دنیا و آخرت به نفع شما است.

در این جا رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) به مردان خاطر نشان می‌سازد که اتخاذ این شیوه تنبیهی (قطع نفقه) بر خلاف تنبیه بدنی به سود شماست زیرا از یک سو می‌تواند همسرانتان را از سرکشی و طغیان باز دارد و از سوی دیگر موجب مسئولیت شما در پیشگاه الهی نخواهد شد.

مرحوم آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری معتقد است، زن می‌تواند از تمکین امتناع کند،



تا مهرش را بگیرد، چرا که ادله ی «تقاص» شامل این جا نیز می‌شود. زیرا «تقاص» برای هر صاحب حقی جهت استیفای حقش جایز است و این جا نیز زن می‌تواند به عنوان «تقاص» از تمکین خودداری کند و می‌دانیم که تمکین حکم تکلیفی محض نیست، بلکه نکاح برزخی میان معاوضه و غیر آن است. لذا تقاص در این امور جاری است.

ولی اگر عدم تمکین زن، به خاطر آن باشد که مرد نفقه‌ی او را نمی‌پردازد؛ غالباً فقها معتقدند زن چنین حقی را ندارد. ولی به هر حال، نفقه دینی برعهده مرد است که زن به حاکم شرع مراجعه می‌کند و هر مقدار که از مرد طلب دارد، حاکم شرع برای وی استیفا می‌کند.

در صورتی که مرد، در عین توانایی، از پرداخت مهر و یا دادن نفقه امتناع ورزد، زن حق دارد که از تمکین خودداری کند؛ هر چند می‌تواند به حاکم شرع نیز مراجعه کند و از آن طریق به حقش برسد. ولی اگر به حاکم شرع مراجعه نکرد و یا برای رسیدن به حقش مدت طولانی را باید صبر کند حق امتناع از تمکین را دارد و در این میان تفاوتی میان قبل از آمیزش و پس از آن نیست، به چند دلیل:

اولاً: نکاح چیزی شبیه به معاوضه است و مرد زمانی بر زن قوام دارد و در دایره ی زناشویی بر او سرپرستی و مدیریت دارد، که به وظیفه ی خویش عمل کند و مهر و نفقه زن را که وظیفه اوست، بپردازد. به عبارتی: «و بما انفقوا من أموالهم» که مراد از آن مهر و نفقه است، زمانی وظیفه ی فرمانبرداری را برعهده ی زن قرار می‌دهد که مرد به وظیفه‌اش عمل کند؛ ولی وقتی که مرد به این وظیفه عمل نکرد، هیچ رهبری و قوامتی بر زن ندارد.

در این مسئله تفاوتی میان مهر و نفقه نیست. زیرا از مسلمات فقه اسلامی است که نفقه ی زن برعهده ی شوهر است. وقتی مرد با توانایی، نفقه‌ی زن را نمی‌پردازد، تمکینی را از زن طلبکار نیست.



ثانیا: مسئله تقاص است که در کلمات «مهدب الأحکام» بدان اشاره شده است. چرا که وقتی یک طرف معاوضه از پرداخت عوض خودداری کند، طرف دیگر به عنوان تقاص می‌تواند مقابله به مثل نماید.

## ۲. نشوز مرد

با توجه به مطالب ارائه شده، نشوز در مردان به دو صورت قابل تصور است

- جنبه مالی: در این قسم مرد در امور مالی کوتاهی می‌کند، مثلاً مرد از سر بخل و خساست نفقه واجب زن را نمی‌دهد و حقوق واجبش را رعایت نمی‌کند و یا مهریه او را عندالمطالبه ندهد و یا غذا، لباس و مسکنی که درشان اوست فراهم نکند و در این زمینه کوتاهی کند.

- جنبه معنوی: مرد حقوق مادی واجب زن را رعایت می‌کند ولی به زنش بی توجهی می‌کند مثلاً در عمل جنسی که نقطه اتکاء زندگی و عامل اصلی کنار هم قرار دادن زوجین است، بی میلی می‌کند و این خود بر دو دلیل عمده است، یا اینکه این بی میلی بخاطر اعمال بد و اخلاق ناپسند و ناخوشایند زن است و یا اینکه این بی میلی بخاطر حس انتقام‌جوئی و خودخواهی و دیگر صفات رذایل حیوانی در مرد باشد.

نشوز مرد ممکن است به دلایل ذیل باشد:

۱- واکنشی در برابر نشوز زن باشد. که در این حالت با آگاهی زن از این واکنش، دست از نشوز برمی‌دارد و مرد نیز طبیعتاً با خوش‌رویی از آن استقبال خواهد کرد و اگر طرفین به نشوز و نافرمانی و سرکشی ادامه دهند، تحت مقوله‌ی «شقاق» قرار می‌گیرد.

۲- گاه می‌تواند «نشوز» مرد ناشی از مشکلات کاری و یا به سبب فقر باشد؛ مرد به خاطر مسافرت‌های شغلی که مدت طولانی بر او می‌گذرد، نمی‌تواند حق قسم را مراعات کند.



به عبارتی: نشوز مرد امری اجباری و ناخواسته باشد، نه از روی عمد و آزار همسر؛ در این صورت مطالبه ی زن متوقف بر صرفه جویی در هزینه های زندگی و فراهم کردن بستر لازم جهت حضور مرد در محل زندگی مشترک است و در غیر این صورت، مرد به سبب تهیه ی هزینه های زندگی و امرار معاش مجبور به مسافرت است و زن نیز باید در این مسیر با وی همکاری داشته باشد. به ویژه اگر قبل از ازدواج از شرایط شغلی شوهر خویش آگاه بوده است و همچنین اگر نپرداختن هزینه ی زندگی منتفی نیست و به هر حال، او بدهکار نفقه ی زن خویش است. در این صورت، زن می تواند با فقر و نداری مرد بسازد، تا گشایشی در زندگی آنان رخ دهد و از برخی حقوق خویش نیز بگذرد - که همین سازگاری، با روح زناشویی و پیمان های مشترک زندگی هماهنگ است - و اگر بنا بر ماندن در کنار شوهر را ندارد و همچنان بر دریافت کامل نفقه، اصرار دارد، می تواند به دادگاه مراجعه کند و برای جدایی اقدام نماید.

۳- اگر نشوز مرد، فقط از سر قلدری و تخلف از وظایف قانونی و شرعی خویش باشد؛ هدفش ستم بر زن و بهره کشی بیشتر از اوست. مرد می خواهد با عدم رعایت حق «قسم» و نپرداختن نفقه، زن را تحت فشار قرار دهد، تا مثلاً زن مهر خویش را ببخشد و یا از سرمایه ی خویش برای مرد هزینه کند و یا اموال او را به تملک درآورد. در این صورت، زن حق دارد به حاکم مراجعه کند و حاکم نیز با امر و نهی و در ادامه با تعزیر، مرد را با وظایفش آشنا می سازد و حتی می تواند اموال مرد را برای تأمین هزینه ی زندگی زن بفروشد و حق زن را از آن بپردازد.

نشوز مرد این است که حقوق واجب خود را نپردازد یا بد خلقی و اذیت کند زن می تواند مطالبه حقوقش را نزد قاضی بکند و اگر باز هم نداد حاکم از مال مرد بر می دارد. اگر چه با فروش بعضی اموالش باشد و به زن می دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۹ ه.ق: ج ۲، ص ۱۵۲ و ۲۵۳ و ج ۱۰، ص ۴۷۲ و ۴۷۶)



نظر عبد الاعلی سبزواری در این باره این است که:

اگر مرد هدفش از نشوز و اعراض از زن، بی‌علاقگی وی به همسرش و بی‌رغبتی به اوست و در واقع در پی آن است که همسرش را طلاق دهد؛ در این صورت زن می‌تواند از برخی حقوق خویش و یا از همه ی حقوق خود بگذرد و از شوهرش بخواهد برای طلاق وی اقدام نکند.

صلح و مدارا از سوی زن و گذشت از برخی حقوق خویش جهت فرو نپاشیدن آشیانه ی زندگی و بودن در کنار فرزندان و مراقبت از آنان، کاری ارزشمند و ستایش برانگیز است.

او می‌تواند از حق قسم بگذرد و یا در صورت امکان از مرد نفقه نخواهد، در عوض در کنار او و فرزندان به سر برد. این کار به خاطر آن است که نمی‌خواهد نام زن مطلقه بر او نهاده شود. ولی همانگونه که برخی از فقها گفته‌اند: اگر به سبب ترس از کتک کاری، ناسزاگویی مرد و مانند آن، زن مالی را به شوهرش ببخشد و یا از برخی حقوق خویش دست بکشد، تا در عوض مرد از آزار او دست بردارد، تصرف مرد در چنین مالی حرام است. (سبزواری، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۲۲۵)

در جامع المدارک چنین ذکر شده است که نشوز مرد یعنی این که:

مرد در حق زن تعدی و ستم روا دارد و حقوق واجبش را ادا نکند. وقتی که نشوز مرد نمایان شد، بدین گونه که مرد حق هم خوابی و قسم را مراعات نکند و نفقه زن را نپردازد؛ زن حق مطالبه ی این امور را دارد؛ و مرد را موعظه می‌کند و اگر اثر نکرد، به حاکم مراجعه می‌کند، تا حاکم، مرد را به ادای حقوق زن وادارد؛ ولی خود زن حق ندارد از مرد دوری گزیند و هجر را انتخاب کند و یا مرد را بزند... (خوانساری، ۱۳۵۵: ج ۴، ص ۴۳۳)

اگر مرد به وظایف واجب خود نسبت به زن عمل نکند و نفقه زن را نپردازد ناشزه (البته

استعمال صحیح آن ناشز است، می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: مسأله ۲)



استفتاء: امام - بهجت - تبریزی - مکارم - فاضل

مسأله : اگر نشان‌های نشوز در مرد پیدا شود زن می‌تواند مرد را نصیحت کند و اگر نصیحت مؤثر نشد می‌تواند شکایت خود را نزد حاکم ببرد تا او مرد را وادار کند به وظایف خود عمل نماید.

امام - بهجت - تبریزی - مکارم - فاضل

سؤال: آیا زن حق دارد با شوهر خود قهر کند یا شوهر را کتک بزند؟

جواب: زن حق قهر کردن یا کتک زدن شوهر را ندارد.

در کتاب فقه امام رضا (علیه‌السلام) بیان شده: گاهی رویگردانی از زندگی مشترک، از جانب مرد است و گاهی از جانب زن. اگر از جانب مرد باشد، مرد قصد طلاق زن را می‌کند. گاه در این موقعیت که مرد زن را نمی‌خواهد، زن دوست دارد به زندگی مشترک ادامه دهد. لذا می‌گوید: مرا طلاق نده؛ در عوض من از برخی از حقوق خودم گذشت می‌کنم و مرد نیز قبول کرده، هر دو با این شرایط با همدیگر آشتی می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۴، ص ۵۸؛ بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۰۴: ص ۵۲۰؛ بابویه قمی، بی تا، ص ۲۴۴)

### ۳. ارتباط نفقه با تمکین

از آنجا که نظام قانون‌گذاری در اسلام متعادل است هر جا حقی است تکلیفی هم وجود دارد. مسأله ازدواج هم از این قانون جدا نبوده و حقوقی برای مردان و تکالیفی نیز از آنان خواسته است همانگونه که حقوقی برای زنان و تکالیفی بر عهده ایشان قرار داده است ناگفته نماند این حقوق و تکالیف بر اساس فطرت و متناسب با روحيات هر یک از زن و مرد در خلقتشان می‌باشد.

از جمله حقوقی که در اجتماع کوچک خانواده در نظر گرفته شده دادن مدیریت به مردان است. مدیریت مردان در مسائل هدایتی و معنوی در آیه ۶ تحریم مطرح گردیده



خداوند می فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» خود و خانواده خود را از آتش دوزخ نگهدارید.

مدیریت در امور مادی از آیه ۳۴ نساء بدست می آید «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»

ترجمه: مردان سرپرست و نگهبان زنانند به خاطر برتریهایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر هزینه‌هایی که مردان از اموالشان در مورد زنان می کنند و زنان شایسته در برابر آن مطیع (متواضعند) و در غیاب همسر حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده حفظ می کنند.

علامه طباطبایی در المیزان می نویسد: قسمت اول آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» آن فزونی و امتیازی است که بالطبع مردان بر زنان دارند از زیادتی قوه تعقل و فروع آن مانند هموردی در کارزار و تحمل شدائد و کارهای سخت و سنگین که مردان توان آن را دارند پس منحصر در زن و شوهر نیست. روایتی از پیامبر این نوع برداشت را تأیید می کند که فرمودند زن نیازمند است مادامی که همسر ندارد گفتند: ای رسول خدا، اگر چه مال داشته باشد باز هم نیازمند است؟ فرمودند اگر چه مال داشته باشد پس همین آیه را خواندند.

قسمت دوم آیه که فالصالحات قانتات حافظات للغیب مخصوص به زوجین بوده و فرعی از آن حکم مطلق است، بدون اینکه به اطلاق آیه، خدشه ای وارد نماید. مقصود از «الصالحات...» زوجه صالحه می باشد و این حکم زنان در حال ازدواج است و «قانتات حافظات...»، که امر به صورت توصیف است و تأکید بیشتر دارد، (یعنی باید قانته و حافظه باشد این حکم در سعه و ضیق تابع علت خود، یعنی قیومت مرد بر زن از راه زناشویی؛ می باشد.



به عبارت دیگر: قیمومت مرد بر همسرش به طوری نیست که اراده و تصرف زن را ملک خودش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن بازدارد، بلکه معنی آن این است که چون مرد در مقابل تمتع خود از زن مالی می‌پردازد، زن نیز باید در آنچه که مربوط به تمتع مرد و لذت وی از زن است (در مباشرت) مطیع و در پشت سر، حافظ وی باشد و دیگری را به خود راه ندهد.

چنانچه مشاهده می‌کنیم ایشان قیمومیت مرد را با پرداخت نفقه در قبال تمکین خاص قرار می‌دهند. (طباطبائی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۰۷-۵۰۸)

در تفسیر فرقان چنین آمده: مردان از جهت اینکه مرد هستند به زنان ولایت مطلق ندارند. این حکم قیمومیت تا زمانی برای مردان ثابت است که در جهت سرپرستی نیکو و کمک و یاری خانواده باشند و اطاعت زنان نیز تا زمانی استمرار می‌یابد که مردان از آنان عمل غیر صالح و منکری را درخواست نکنند. ایشان تمکین عام را در اینجا مطرح نموده‌اند. (ر.ک: الصادقی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۸-۴۱)

آیه سوم: **فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً**

خداوند در مقابل استمتاع چه در عقد دائم و چه در متعه مهریه داده است طبق این آیه تمکین خاص که هدف اصلی در ازدواج موقت است با دادن مهریه مجاز می‌شود.

نظر فقها در این مورد:

تنها حقی که در ازدواج موقت وجود دارد استمتاع است زیرا از مقتضای عقد چنین برداشتی می‌کنیم و در صورتی که شرط عدم استمتاع شود خلاف مقتضای عقد و عقد را باطل می‌کند و غیر از آن در بقیه شروط و طرفین ازدواج موقت می‌توانند بر هر گونه شرطی در رابطه با کم و کیف تمتعات و زمان و مکان آن توافق نمایند. (نجفی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۱۶۶/

موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۸۹)





## ج. پیامدهای نشوز و ارائه راهکار

### ۱. بررسی آسیب‌ها

در نظام طبیعت هر عملی عکس‌العملی دارد. بنابراین هر پدیده‌ای دارای آثار خاص خود می‌باشد نشوز نیز مانند سایر پدیده‌های اجتماعی دیگر دارای آثار مخصوص به خود می‌باشد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

#### - ناتوانی در شکل‌دهی هویت

از عوارض نشوز تأثیر آن بر احساس هویت افراد است بر اساس یافته‌های بالینی نشوز سبب یک ویژگی روان‌شناختی نسبتاً مشترک در زنان شده که این عامل سبب ناتوانی زنان در شکل‌دهی یک هویت جدید می‌گردد این امر موجب می‌شود که آن گروه از زنان که در معرض نشوز مرد قرار گرفته‌اند در شکل‌دهی معنای جدید از جهان و بازسازی مفهوم خود دچار مشکلات بسیار فراوانی شوند. (نیازی، ۱۳۹۰: ص ۱۳۴)

#### - احساس تنهایی

فردی که با بی‌میلی و بی‌محبتی همسر خود مواجه می‌شود بعد از مدتی احساس تنهایی می‌کند زیرا از محیط پر محبت خانواده ضربه خورده و دچار بی‌توجهی قرار گرفته است. (همان، ص ۱۴۰)

#### - مشکلات روحی و جسمی و کاهش رضایت از زندگی

افرادی که مورد بی‌مهری واقع می‌شوند بیشتر از دیگران در معرض بیماری‌های روحی و جسمی قرار می‌گیرند فردی که در خانواده خود را ناکارآمد تلقی کند صدمات روحی فراوان برای او ایجاد خواهد شد.

مهمترین بخش زندگی هر انسانی زندگی مشترک اوست اگر فرد در این رابطه مورد کم‌توجهی یا بی‌مهری قرار گیرد رضایت از زندگی او به نسبت قابل توجهی کاهش می‌یابد.



**۱- ارتکاب به جرم**

یکی از پیامدهای نشوز زوج یا زوجه، خیانت یکی از دو طرف می‌باشد مثلاً وقتی مرد با نافرمانی همسر خود مواجه شود ممکن است دست به خیانت زند و کانون خانواده را متلاشی سازد. عمده ترین عواملی که باعث می‌شود زن یا مرد به جریان بی وفایی و خیانت وارد شوند به قرار زیر است.

۱- عدم اشباع نیازهای عاطفی

۲- کمبود مهر و عشق ورزی

۳- عدم تأمین نیازهای اقتصادی

۴- عدم توانایی در برقراری نیاز جنسی. (کاوه، ۱۳۸۶، ص ۸۷)

با دقت در عوامل بالا دیده می‌شود که نشوز اثر توجه نکردن به نیازهای عاطفی طرف مقابل نبود عشق بین زن و مرد گاهی بی توجهی به نیازهای اقتصادی خانواده و اهمیت ندادن به خواسته جنسی طرف مقابل است. بنابراین عواملی که منجر به خیانت می‌شوند قبل از آن دلیلی برای نشوز همسران است اما نه به این معنا که هر مرد وزن ناشزه دست به خیانت زند فقط در صورت ضعف دینداری و تربیت دینی ناکارآمد به سوی انحرافات جنسی و فساد اخلاقی کشیده می‌شود.

**۲. راه های مقابله و جلوگیری از نشوز زن**

اصل نشوز، برتری جویی است که در اینجا کنایه از برتری جویی زن با تمرد از اطاعت شوهر و حقوق او فاصله گیری از این ظوایف است، و این به تدریج به اطاعت نکردن و ترک حقوق لازم همسر پیدا می‌شود، چنان که در اوائل کار، با رفتار و کردار او زنگ خطر رسیدن به مرحله وخیم نشوز به صدا در می‌آید و انحراف از راه درست و مسیر سازش آغاز می‌شود.



این همان مرحله خوف از نشوز است که خداوند در آن، روش بازسازی را رد ضمن سه مرحله وعظ و هجعه و ضرب اجازه داده است. (بلاغی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۳۹۸).

قرآن کریم در برابر سرپیچی و عصیان زن ۳ مرحله قائل است؛

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً» (نساء/۳۴)

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هائی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آنها دوری نمایید! (و اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود)، آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجویید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست).

در این آیه زنان به دو دسته تقسیم می شوند: دسته ی اول صالحان و آن ها خاضع و متعهد در برابر نظام خانواده می باشند و نه تنها در حضور شوهر، بلکه در غیاب او چه از نظر ناموس و چه از نظر حفظ شخصیت در برابر حقوقی که خداوند برای آن ها قائل شده، وظایف خود را به خوبی انجام می دهند. دسته ی دوم زنان متخلف که از وظایف خود سرپیچی می کنند و نشانه های ناسازگاری در آن ها دیده می شود. مردان در برابر دسته ی اول باید کاملاً آنها را مورد احترام و تکریم خویش قرار دهند و در مقابل دسته ی دوم



وظایفی دارند که باید مرحله به مرحله انجام دهند. به هر حال مراقب باشند که از حریم عدالت تجاوز نکنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۳، ص ۳۷۲)

علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، پیش از آن که زن ناشزه شود چاره‌ای بیندیشید. (قراتنی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۴)

احکام سه گانه یا راهکارها و راه‌حل‌های ۳ گانه بر خوف از نشوز مترتب شده اند که هر چند برخی آن را به معنای یقین به نشوز، یا ترس حاصل از نشوز نسبت به سلامت خانواده و ... گرفته‌اند. اما ظاهر آن بیم داشتن از تحقق نشوز است.

اما اینکه در صورتی که نشوز، خود تحقق نیافته، ضرب و هجر تجویز می‌شود، این به دلیل آن است که ضرب به عنوان کیفر و عقوبت هرگز مطرح نیست و در نتیجه قصاص قبل از جنایت نخواهد بود. (حکیم باشی، بی تا، همان)

### – موعظه

موعظه و اندرز به زن، که هم راه پیش گیری از تحقق نشوز به هنگام ترس از آن و آشکار شدن به علائم نشوز در زن می‌باشد و هم در صورت تحقق نشوز، اولین قدم در راه درمان آن است. گفتگو و اندرز و توجه دادن زن، به آثار زیانبار نافرمانی او – چه دنیوی و چه اخروی – و با گفتن احکام الهی و دستورات نبوی در این زمینه میتواند تأثیرگذار باشد.

در این هشدار مرد به زن می‌گوید راجع به حق من از خدا بترس، از عذاب الهی بر حذر باش و حقوق مرد بر زن را به او تفهیم می‌کند که اگر نشوز نماید، نفقه و حق معنوی او ساقط می‌شود که شاید اثر کند و زن دست از ناهنجاری بردارد. (گلپایگانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱).

به این ترتیب آن‌ها که پا را از حریم نظام خانوادگی فراتر می‌گذارند قبل از هر چیز باید به وسیله‌ی اندرزهای دوستانه نتایج سوء این‌گونه کارها، آن‌ها را به راه آورده و متوجه

مسئولیت خود نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۳، ص ۳۷۳)



باید در این گفتگوها و موعظه‌ها، انگیزه نشوز زن را دریابد، تا هماهنگ با آن خواسته، کلماتی مؤثر و مفید به کار برد. اگر انگیزه زن، جلب محبت مرد و برانگیختن نیاز مرد به او باشد، به یقین کلمات محبت آمیز و ابراز عشق و وفاداری و نجوای عاشقانه اثرش را خواهد گذاشت و زن با رسیدن به مقصودش نشوز و نافرمانی را کنار می‌گذارد و اگر انگیزه ی او توجه دادن مرد به لذت متقابل و کامیابی طرفینی است و از عدم ارضای جنسی او ناشی شود، باز هم در این گفتگوها و کنکاش‌ها، مرد بدان پی می‌برد و راه و رسم صحیح تماس جنسی و کامیاب کردن زن را می‌آموزد و موانع نشوز زن را برطرف می‌سازد.

همچنین در صورتی که عدم تمکین زن بر اثر بیماری‌های جسمی و یا روحی باشد؛ مرد وظیفه‌شناس، با پی‌جویی علل و عوامل این بیماری‌ها، در پی درمانش برخواهد آمد و به وظیفه‌ی خویش - که همان رسیدگی به زن و تأمین سلامتی اوست - عمل خواهد کرد و همه ی این امور، در مواعظ خیرخواهانه و گفتگوهای دوستانه - اگر به نحو صحیح انجام شود- محقق می‌گردد. سر زندگی زن، به زندگی حیاتی تازه می‌بخشد و چراغ بی‌فروغ زناشویی، فروغی دوباره می‌گیرد.

ولی اگر تمرد و نشوز زن، برای بدست گرفتن عنان زندگی و مدیریت و سرپرستی بر مرد و یا به منظور سرکیسه کردن مرد و تأمین نیازهای افراطی در مخارج زندگی باشد و همچنین برای فرار از قید و بند زوجیت و میل به ولگردی و معاشرت با این و آن، در این صورت موعظه شکل دیگری خواهد گرفت.

همراه با آشنا کردن زن به وظایف طبیعی و شرعی خود، هشدارها، وعیدها، امر و نهی‌ها نیز چاشنی این موعظه خواهد بود. پی‌آمدهای زیانبار دنیوی و آثار سوء نشوز زن بر پیوند زناشویی به وی گوشزد می‌شود و عواقب اخروی و کیفی‌های الهی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. برای زن زندگی، این هشدارها و یادآوری‌ها آموزنده است و سبب تنبّه و بیداری و بازگشت به زندگی مسالمت‌آمیز و پرعاطفه و رجوع به خانه محبت و صمیمیت خواهد شد.



## - هجر

در صورت عدم تأثیر شیوه ی اوّل و ادامه ی نشوز زن، مرحله دوری گزینی از زن فرا می رسد. در این مرحله، مرد به عنوان قهر و هجر از زن، در بستر از وی کناره می گیرد؛ مثلاً به هنگام خواب، پشت به زن کرده، عدم رضایت خود را از رفتار وی آشکار می سازد؛ به آن امید که همین واکنش خفیف سبب تنبیه و توجه زن گردد.

در اختیار داشتن قلب مرد و جلب توجه عاطفی او، مهمترین خواسته یک زن است. از این رو، بسترگریزی مرد بسیار از زنان را متنبه می سازد.

این احساس به زن دست می دهد که این بسترگریزی مرد، اگر ادامه یابد و یا همیشگی گردد و با نفرت و انزجار مرد، کار به مراحل دشوارتر و تزلزل پیوند زناشویی و حتی سبب قطع آن شود، چه خواهد شد؟

این دلشوره، در زنی که زندگی مسالمت آمیز را می طلبد و فرض بر آن است که او شوهری وظیفه شناس نیز دارد، تا حد زیادی موجب تنبه و بیداری می گردد.

اگر نشوز او از سرخستگی روحی و دل آزرده گی های زندگی باشد، باز هم مدتی هجر و دوری مرد از وی، عطش وصال را در زن زیاد می کند و شرایط روحی مساعدتری را در زن ایجاد می کند؛ ویژه که در ایام هجران، زن می فهمد چه تکیه گاه مطمئن روحی و مرهم شفابخشی را از دست داده که قدرتش را نمی دانسته. او می فهمد با کمک شوهری مهربان، بهتر می تواند آرام روحی و افسردگی خویش را تسکین دهد.

پشت کردن در خوابگاه مناسب ترین راههای معاشرت است که شدت و سختی در آن نیست و به علاوه که در یک خوابگاه بودن و پشت کردن خود موجب تهییج احساسات مرد و زن است که از خشونت و غضب آنها کاسته می شود و ممکن است این کار مرد وسیله شود که زن علت آن را بپرسد و از بدخوئی و سوء رفتار بصلاح باز آید. (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۹۴)



طبری در تفسیر آیه می‌گوید: خداوند به شوهر دستور داده است که هر گاه همسرش از وی نافرمانی کند او را با طناب در خانه ای که با او می‌خواهد چنان که شتر را بندد، او را ببندد، سببی که وی را وادار کرده تا دست به چنین تفسیری بزند آن است که عرب طنابی را که شتر را می‌بندد «هجار» می‌نامند، بنابراین معنای «و اهجرهون» آن است که وی را با هجار ببندید، زمخشری این تفسیر را تفسیر انسان کردن می‌داند. (مغنیه، ۱۳۷۲، ص ۵۰۱).

دلیل بر این که رعایت تدریج و ترتیب لازم است این است که ترتیب نامبرده به حسب طبع نیز وسایل گوناگونی از کیفر دادن است، هر کس بخواهد کسی را کیفر کند طبیعتاً اول از درجه ضعیف آن شروع می‌کند و سپس به تدریج کیفر را شدید و شدیدتر می‌سازد، بنا بر این ترتیبی که از آیه فهمیده می‌شود از سیاق آن به دست می‌آید، نه از حرف واو.

و ظاهر جمله: «وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» این است که بستر محفوظ باشد، ولی در بستر با او قهر کند، مثلاً در بستر پشت به او کند، و یا ملاحظه نکند، و یا طوری دیگری بی میلی خود را به او بفهماند، گو اینکه ممکن است با مثل این عبارت جدا کردن بستر نیز اراده بشود، ولی بعید است (معمولاً وقتی بخواهند بگویند بسترت را از او جدا کن نمی‌گویند در بستر از او کناره بگیر) و ای بسا معنای اول از این نظر تایید شود، که مضجع را به لفظ جمع آورده، چون بنا بر این که منظور جدا کردن مضجع بوده باشد، دیگر به حسب ظاهر احتیاج نبود کلمه نامبرده را به لفظ جمع بیاورد، و کثرت را بفهماند (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۴۵) بلکه می‌فرمود توای مردن بستر خودت را جدا کن.

### - ضرب

اصرار بر «نشوز» و نافرمانی که پس از طی مراحل گذشته همچنان ادامه یابد، نشان از باج خواهی زن و سرکشی و تمرد قلدرمآبانه وی دارد. این جاست که نوبت به زدن می‌رسد.

اینک با توجه به چند نکته به بررسی فلسفه تجویز ضرب می‌پردازیم:



الف: قوامیت مرد بر زن به معنای مسئولیت و وظیفه حفاظت و پاسداری از شئون خانواده و امور مربوط به زن، امری ثابت و مسلم است.

ب: در راستای وظیفه ی قوامیت، حق طلاق به دلایلی به مرد سپرده شده است.

ج: طلاق در شریعت اسلامی به عنوان مغبوض ترین چیز یا کار مباح نزد خداوند مطرح است؛ به ویژه اگر بدون دلیل قانع کننده و یا به دلیل ناجوانمردانه باشد.

مرحله ضرب پس از عطا و هجر و سود نبخشیدن آن دو قابل اعمال است. (حکیم باشی، بی تا، همان.)

ضرب هرگز به عنوان کیفر یا تعزیر مطرح نیست، بلکه نوعی هشدار یا اعلام تنفر از رفتار زن می باشد، بدون آن که قصد انتقام یا تحقیر در میان باشد. شهید ثانی می نویسد:

«زدن زن به قصد اشباع حس انتقام جویی و خودخواهی و دل خنک کردن که هیچ نقش اصلاحی برای دو طرف ندارد حرام است.» (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۴۷ و ۳۴۴)

البته همه این سخنان درباره زنی است که در عین تمایل به ادامه زندگی رفتاری نشوز آمیز دارد و گرنه ضرب و هجر درباره او تاثیری نداشته تجویز نخواهد شد.

در اینجا ضرب و مضروب باید به گونه ای باشند که تحمل ضرب و ادامه زندگی بهتر از جدایی و طلاق باشد و نه به گونه ای که مصلحت جدا شدن، از تحمل چنین ضربی بیشتر باشد. و این همان ضرب غیرمبرح است که در روایات آمده بود.

## نتیجه بحث

نتیجه ای که از این تحقیق حاصل می شود این است که دین مبین اسلام تأکیدات فراوانی بر رعایت حقوق افراد در خانواده کرده است و در طول زندگی زن و شوهر باید سعی کند تمام اعمال و حتی گفتارشان بر اساس اصول دین و دستورات شریعت باشد تا اینکه





برایشان مشکلی پیش نیاید.

تأکید اسلام بر اخلاق محوری در خانواده که باعث ایجاد محیطی آرام برای رشد افراد است. اگر مشکلی بین زوجین پیش آید باید با میانجیگری بزرگان و افراد مطلع در حل آن بکوشند. اگر مسأله با میانجگری و مشورت و موعظه حل نشد راه کارهایی در آیات و روایات برای حل مسأله بیان شده است از جمله پشت کردن در رختخواب، زدن با ضابطه های خاص آن برای مرد و رجوع به حاکم شرع و تمکین نکردن برای زن.

اسلام در حل مشکلات اجتماعی انسان ها را با بن بست مواجه نمی کند حتماً راه حل هایی وجود دارد که از ابتدا با مسالمت و هرچه مراتب آن شدید تر شود احکام شدید می شود. در صورت بروز مسأله نشوز زوجین باید تمام احکام و شرایط قانونی آن را رعایت کنند تا کمترین ضربه را از این مسأله ببینند. چون اگر تمام احکام قرآن در این مسأله رعایت شود باعث می گردد سیر نشوز یک سیر قانونی را طی کند.

تأثیر مخرب مسأله نشوز بر روحیه تک تک افراد خانواده به خصوص برای کودک شاید قابل جبران نباشد بنابراین برای حل مسأله باید به صورت جدی اقدام کرد.

## فهرست منابع و مآخذ

\* قرآن کریم: ترجمه فولادوند

\* ترجمه نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرّم، لسان العرب، مصر، الدار المصریه لتألیف

و الترجمه.

۲. اردبیلی، احمد بن محمد، زیده البیان، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۶۲.



۳. اصفهانی، بهاء الدین مهد بن الحسن بن مهد (فاضل هندی)، کشف الشام، بی جا، بی تا.
۴. امینی، ابراهیم، آئین همسرداری یا اخلاق خانواده، تهران، اسلامی، ۱۳۵۷.
۵. بانکی پور فرد، امیر حسین، تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو، مقالات هم اندیشی
۶. بطحایی گلپایگانی، هاشم، فیمینیسیم از نظر اسلام و دیگر ملل، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۳
۷. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن، طهران، مکتبه النجاج، ۱۴۰۲ ق.
۸. بوطنی، محمد سعید رمضان، المراه بین طغیان انظام الغربی و لطائف التشریح الربانی، سوریه، دارالمکر، ۱۴۱۷.
۹. جواد آملی، عبد الله، تفسیر تسنیم، تحقیق و تنظیم حسین اشرفی و روح الله رزقی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۱. حقی، علی بن بابویه، فقه الرضا، تحقیق، موسسه آل بیت.
۱۲. حلّی، ابن ادریس، سرائر، جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰
۱۳. حلّی، ابومنصور الحسن بن یوسف المظهر، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تحقیق سیداحمد خمینی، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، تهران، نشر فقیه، بی تا.
۱۴. الخوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۵۵ ه.ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلام حسین خسروی، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۸۵.
۱۶. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، ناشر اسلام، ۱۳۷۱.
۱۷. شریف، علی، نفقه و تمکین در حقوق خانواده، تهران، نشر بشارت، ۱۳۷۶ ه.ش.
۱۸. الشیخ البحرانی، یوسف، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم، نشر اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، مشهد، آل البيت، ۱۴۱۹



۲۰. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۸۰.
۲۱. الطبرسی الطوسی، امین الدین ابو علی الفضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.
۲۲. طبرسی، امین الاسلام ابو علی فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه احمد امیری شادمهری، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن ابی جعفر (شیخ طوسی)، نهایه، قم، قدس محمدی، بی تا.
۲۴. ....، تفسیر تبیان، تحقیق احمد حبیب قصر عاملی، چاپ سنگی، دار احیاء التراث العربی، مکتب الاعلام الاسلامی، رمضان ۱۲۰۹ هـ ق.
۲۵. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، صدوق، ۱۳۶۰.
۲۶. عاملی، زین الدین، مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم، تحقیق و نشر مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، اللمعة دمشقیه، ج ۵ و ۳، تحقیق علی الکوثرانی، دارالفکر، قدس، ۱۴۱۱ هـ.
۲۸. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مطبعة العلمیه، چاپ دوم، بی تا.
۲۹. علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲، محقق ابراهیم البهادری، مؤسسه امام صادق، قم، ۱۴۲۰ هـ ق.
۳۰. فاضل لنکرانی، توضیح المسائل.
۳۱. فضل الله، محمد حسین، تأملات اسلامیه حول المرأة.
۳۲. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۳۳. قائمی، علی، تشکیل خانواده در اسلام، قم، دار التبلیغ الاسلامی، ۱۳۵۷.
۳۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۷۵.
۳۵. قرشی بنایی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
۳۶. قمی، علی بن بابویه (شیخ صدوق)، فقه الرضا، مؤسسه آل البيت.



- ۳۷..... من لا يحضره الفقيه، جامعة المدرسين حوزه علمیه قم، چاپ ۲، ۱۴۰۴ه.ق.
۳۸. کاوه، سعید، همسران بی وفایی و خیانت، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران، اسوه، ۱۳۷۹، ج ۶.
۴۰. محسنی، جهانگیر، بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه وفا، ۱۴۰۳ه.ق.
۴۲. مسکنی، مهدی، نشوز را شناسید تا با عشق زندگی کنید، تهران، عقیل، ۱۳۸۷.
۴۳. مطهری، مرتضی، یادداشتها، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۴۴. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۱.
۴۵. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذهب الخمسه، ترجمه: کاظم پور جوادی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- ۴۶.....، .....، تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.
۴۸. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، نجف، نشر ادب، ۱۳۹۰ه.ق.، ج ۲ و ۳.
۴۹. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، تهران، مکتبه الاسلامیه، بی تا، ج ۳۱.
۵۰. نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلی)، ابو القاسم، شرائع الاسلام، المطبعة العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۵۱. النوری الطبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، نشر آل البيت، ۱۴۰۸.
۵۲. نیازی، محسن، جامعه شناسی طلاق، تهران، سخن وران رشد آوران، ۱۳۹۰.

